

جایگاه صنعت فولاد در اقتصاد ایران و مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آن



دفتر مطالعات اقتصادی

تیرماه ۱۴۰۵



رهبر معظم انقلاب اسلامی:

پژوهش بایستی هم برای رسیدن به اوج قله علم و ایجاد مرجعیت علمی و هم برای حل مسائل جاری کشور باشد.



شناسنامه اثر

عنوان:	جایگاه صنعت فولاد در اقتصاد ایران و مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آن
نویسنده:	محمدمتین مولائی
ناشر:	اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت سرآمد
دفتر:	مطالعات اقتصادی
تاریخ:	تیرماه ۱۴۰۵



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۶.....	نمودار ۱- تولید کنندگان عمده فولاد جهان (میلیون تن).....
۷.....	جایگاه صنعت فولاد در اقتصاد کشور.....
۷.....	نمودار ۲- تولید محصولات مختلف گروه فولاد در ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار تن).....
۹.....	نمودار ۳- واردات و صادرات محصولات فولادی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴ (هزار تن).....
۱۰.....	چالش‌های کلان صنعت فولاد کشور.....
۱۲.....	نمودار ۴- ارزش صادرات محصولات مختلف گروه فولاد در ده ماهه سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (میلیون دلار).....
۱۳.....	بهره‌گیری از ظرفیت تقاضای داخلی فرصتی برای رشد پایدار صنعت فولاد.....
۱۳.....	نمودار ۵- تولید و مصرف محصولات فولادی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴ (هزار تن).....
۱۴.....	جمع‌بندی.....



مقدمه

صنعت فولاد طی سال‌های اخیر به یکی از پایه‌های اصلی توسعه صنعتی و اقتصادی ایران تبدیل شده و نقش آن در رشد تولید، ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت‌های صنعتی بیش از گذشته نمایان شده است. این صنعت نه تنها بخش قابل توجهی از نیاز صنایع پایین‌دستی را به مواد اولیه تأمین می‌کند، بلکه با ایجاد ارزش افزوده، افزایش صادرات غیرنفتی، توسعه مناطق معدنی و جذب سرمایه‌گذاری، سهم مهمی در رشد اقتصادی کشور ایفا می‌کند. به همین دلیل اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه بخش معدن و صنایع معدنی، همواره صنعت فولاد را به عنوان یکی از صنایع راهبردی و پیشران اقتصاد ملی معرفی کرده‌اند.

وجود ذخایر گسترده سنگ آهن، دسترسی نسبی به منابع انرژی، توسعه فناوری احیای مستقیم و حضور سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی شرایط مناسبی را برای گسترش ظرفیت تولید فولاد در کشور فراهم کرده است. این مجموعه عوامل سبب شد ایران طی دو دهه گذشته مسیر رشد قابل توجهی را در این صنعت طی کند. امروز ایران در میان کشورهای بزرگ تولیدکننده فولاد جهان قرار دارد و این جایگاه حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف زنجیره تولید است. شکل زیر بزرگترین تولیدکنندگان فولاد جهان را نشان می‌دهد که ایران با ۳۱.۸ میلیون تن تولید در جایگاه دهم جهان قرار دارد.



نمودار ۱- تولیدکنندگان عمده فولاد جهان (میلیون تن)^۱

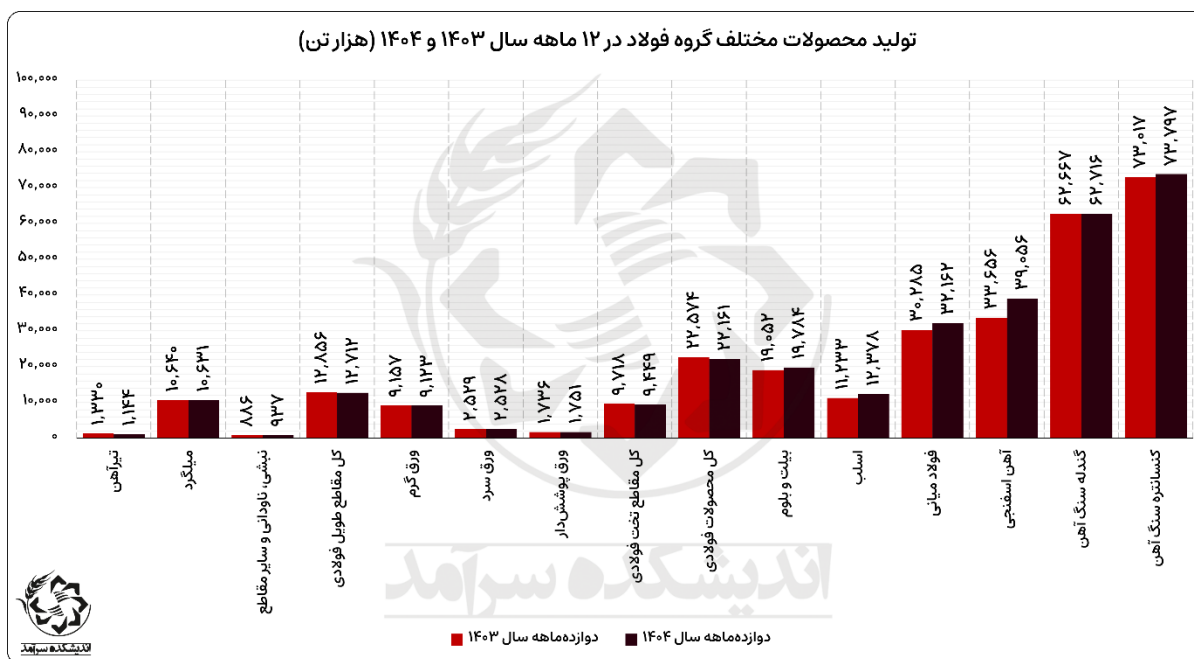
^۱ مأخذ: World Steel Association, 2025



جایگاه صنعت فولاد در اقتصاد کشور

در طول سال‌های گذشته، توسعه زنجیره فولاد از مرحله استخراج سنگ آهن تا تولید کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی، فولاد میانی و محصولات نهایی با سرعت قابل توجهی دنبال شد. اجرای طرح‌های متعدد در بخش معدن و صنایع معدنی، احداث کارخانه‌های جدید و افزایش ظرفیت واحدهای موجود، موجب شد توان تولید فولاد کشور چندین برابر شود. این سرمایه‌گذاری‌ها علاوه بر افزایش ظرفیت اسمی تولید، زمینه ایجاد زیرساخت‌های گسترده صنعتی، توسعه فناوری و افزایش توان صادراتی کشور را نیز فراهم کرد.

با بررسی روند توسعه صنعت فولاد می‌توان دریافت که این مسیر را می‌توان به دو دوره نسبتاً متمایز تقسیم کرد. دوره نخست که از ابتدای دهه ۱۳۸۰ تا اواخر دهه ۱۳۹۰ را در بر می‌گیرد، دوره گسترش ظرفیت‌های تولید و تکمیل زنجیره ارزش بود. در این مقطع، سیاست‌گذاران تمرکز اصلی خود را بر افزایش ظرفیت تولید، کاهش وابستگی به واردات و دستیابی به اهداف تعیین‌شده در طرح جامع فولاد قرار دادند. احداث واحدهای جدید فولادسازی، توسعه ظرفیت تولید کنسانتره و گندله، گسترش واحدهای احیای مستقیم و افزایش سرمایه‌گذاری در معادن، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود.



نمودار ۲- تولید محصولات مختلف گروه فولاد در ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار تن)^۲

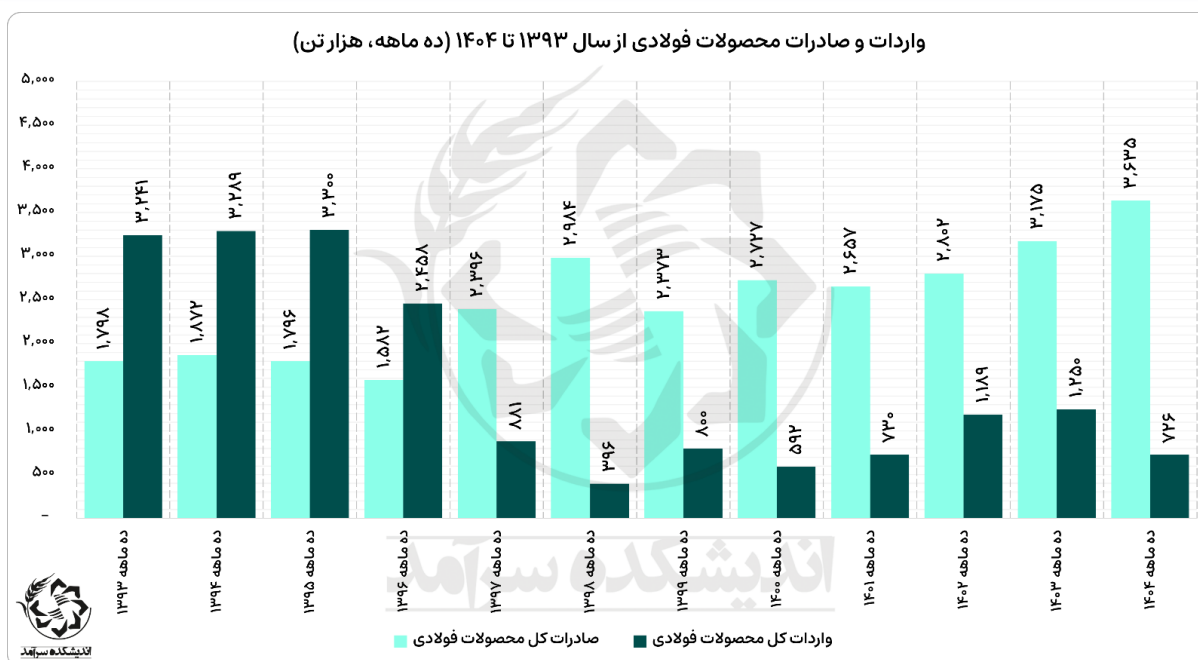


با آغاز دهه ۴۰۰ صنعت فولاد ایران وارد مرحله‌ای تازه از حیات خود شد. مرحله‌ای که در آن صرف افزایش ظرفیت تولید دیگر پاسخگوی نیازهای صنعت نیست. بخش عمده‌ای از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده ایجاد شده‌اند و اکنون مهم‌ترین مسئله بهره‌برداری اقتصادی، پایدار و بهینه از این ظرفیت‌هاست. در چنین شرایطی محدودیت‌های تأمین انرژی، افزایش هزینه‌های تولید، تغییرات بازارهای داخلی و بین‌المللی، تشدید رقابت جهانی، ضرورت ارتقای فناوری و حرکت به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر، به مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان این صنعت تبدیل شده‌اند. از این رو، ادامه مسیر توسعه با الگوی گذشته دیگر نمی‌تواند تضمین‌کننده رشد پایدار و حفظ مزیت رقابتی صنعت فولاد ایران باشد.

علاوه بر تحولات ساختاری در بخش تولید، زنجیره فولاد کشور نیز طی سال‌های اخیر با تغییرات قابل توجهی روبه‌رو شده است. هرچند توسعه ظرفیت در حلقه‌های مختلف زنجیره با سرعت مناسبی دنبال شده، اما این توسعه در همه بخش‌ها به صورت متوازن اتفاق نیفتاده است. در برخی بخش‌ها ظرفیت تولید بسیار سریع‌تر از سایر حلقه‌ها افزایش یافته و همین موضوع باعث شده است میان ظرفیت استخراج مواد معدنی، تولید مواد اولیه و واحدهای فولادسازی هماهنگی لازم وجود نداشته باشد. چنین ناهماهنگی‌هایی علاوه بر کاهش بهره‌وری کل زنجیره، هزینه‌های تولید را نیز افزایش داده و مدیریت عرضه مواد اولیه را با دشواری‌هایی همراه کرده است.

از سوی دیگر بسیاری از واحدهای فولادی با وجود برخورداری از ظرفیت اسمی قابل توجه، امکان استفاده کامل از توان تولید خود را ندارند. محدودیت در تأمین برق و گاز، کمبود منابع آبی، ضعف برخی زیرساخت‌های حمل‌ونقل و افزایش هزینه‌های لجستیکی موجب شده است فاصله میان ظرفیت نصب‌شده و تولید واقعی در سال‌های اخیر بیشتر شود. این موضوع نه تنها بازده سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده را کاهش داده، بلکه برنامه‌ریزی بلندمدت بنگاه‌های فولادی را نیز با ابهام مواجه کرده است.

ارزیابی عملکرد زنجیره فولاد در ماه‌های اخیر نیز بیانگر آن است که روند رشد تولید نسبت به سال‌های گذشته با آهنگ کندتری ادامه یافته است. اگرچه تولید در بخش‌هایی مانند کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی، فولاد میانی و محصولات نهایی همچنان تداوم دارد، اما نرخ رشد این بخش‌ها یکسان نبوده و هر یک تحت تأثیر شرایط متفاوتی قرار گرفته‌اند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله محدودیت‌های تأمین انرژی، وضعیت بازار داخلی، نوسانات تقاضا، شرایط صادرات و مسائل عملیاتی به طور هم‌زمان بر عملکرد حلقه‌های مختلف زنجیره فولاد اثرگذار هستند.



نمودار ۳- واردات و صادرات محصولات فولادی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴ (هزار تن)^۳

در کنار تولید، تجارت خارجی نیز به یکی از ارکان اساسی پایداری صنعت فولاد ایران تبدیل شده است. محدود بودن ظرفیت رشد بازار داخلی سبب شده است بخش مهمی از تولید فولاد کشور راهی بازارهای صادراتی شود. صادرات علاوه بر ایجاد درآمد ارزی، نقش مهمی در حفظ سطح تولید، تداوم فعالیت کارخانه‌ها و جلوگیری از مازاد عرضه در بازار داخلی ایفا می‌کند. با این حال، افزایش وابستگی به بازارهای خارجی، صنعت فولاد را بیش از گذشته در معرض ریسک‌های بین‌المللی قرار داده است.

نوسانات قیمت جهانی فولاد، تغییر سیاست‌های تجاری کشورهای واردکننده، اعمال تعرفه‌های جدید، تشدید رقابت میان تولیدکنندگان بزرگ جهان و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر روند صادرات فولاد ایران تأثیر بگذارند. از این رو ارزیابی وضعیت این صنعت صرفاً بر پایه میزان تولید یا ظرفیت اسمی، تصویر دقیقی از واقعیت ارائه نمی‌دهد. تحلیل جامع صنعت فولاد مستلزم بررسی هم زمان شاخص‌هایی مانند میزان بهره‌برداری از ظرفیت، بهره‌وری سرمایه، وضعیت تجارت خارجی، ارزش افزوده محصولات، میزان مصرف انرژی، تاب‌آوری زنجیره تأمین و قدرت رقابت در بازارهای جهانی است.

^۳ همان



چالش‌های کلان صنعت فولاد کشور

بررسی روند توسعه صنعت فولاد نشان می‌دهد که این صنعت اکنون در مرحله‌ای سرنوشت ساز قرار گرفته است. اگر در دو دهه گذشته تمرکز اصلی سیاست‌گذاری بر افزایش ظرفیت تولید و تکمیل زنجیره ارزش بود، اکنون شرایط به گونه‌ای تغییر کرده که حفظ جایگاه رقابتی و استمرار رشد، مستلزم حل مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری است. در واقع صنعت فولاد ایران از مرحله توسعه کمی عبور کرده و وارد دوره‌ای شده است که در آن شاخص‌هایی همچون بهره‌وری، نوآوری، کیفیت تولید، مدیریت منابع و رقابت‌پذیری، اهمیت بیشتری نسبت به توسعه صرف ظرفیت یافته‌اند.

۱) پایان دوره توسعه مبتنی بر افزایش ظرفیت

یکی از مهم‌ترین تحولات صنعت فولاد، تغییر ماهیت اهداف توسعه است. در سال‌های گذشته افزایش ظرفیت تولید مهم‌ترین شاخص موفقیت محسوب می‌شد و سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای احداث واحدهای جدید فولادسازی، احیای مستقیم، گندله‌سازی و کنسانتره انجام گرفت. این سیاست در زمان خود توانست زمینه رشد سریع صنعت فولاد و ارتقای جایگاه ایران در بازار جهانی را فراهم کند. اما شرایط امروز نشان می‌دهد که توسعه صرف ظرفیت دیگر پاسخگوی نیازهای صنعت نیست. بسیاری از کارخانه‌ها به دلیل محدودیت در تأمین انرژی، مواد اولیه، زیرساخت‌های حمل‌ونقل یا ضعف بازار، قادر به استفاده کامل از ظرفیت‌های ایجادشده نیستند. بنابراین مهم‌ترین اولویت آینده صنعت باید افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، ارتقای بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود و بهبود بازده سرمایه‌گذاری‌ها باشد. در دهه آینده موفقیت صنعت فولاد بیش از آنکه با تعداد کارخانه‌های جدید سنجیده شود با میزان کارایی و سودآوری واحدهای موجود ارزیابی خواهد شد.

۲) دگرگونی مزیت‌های رقابتی صنعت فولاد

یکی از عوامل اصلی رشد صنعت فولاد ایران در سال‌های گذشته، بهره‌مندی از مزیت‌هایی مانند دسترسی به ذخایر گسترده سنگ‌آهن، انرژی نسبتاً ارزان و هزینه تمام‌شده رقابتی بود. این ویژگی‌ها امکان افزایش تولید، توسعه صادرات و جذب سرمایه‌گذاری را فراهم کرد و ایران را در میان تولیدکنندگان بزرگ فولاد جهان قرار داد. با این حال، بررسی روندهای داخلی و تحولات بازار جهانی نشان می‌دهد که این مزیت‌های سنتی دیگر همان کارایی گذشته را ندارند و به تدریج جای خود را به عوامل جدید رقابت‌پذیری می‌دهند. افزایش محدودیت در تأمین برق و گاز، رشد هزینه‌های استخراج مواد معدنی، کاهش منابع آب قابل دسترس، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین الزامات زیست‌محیطی، بخشی از مزیت‌های گذشته را تضعیف کرده‌اند. از سوی دیگر



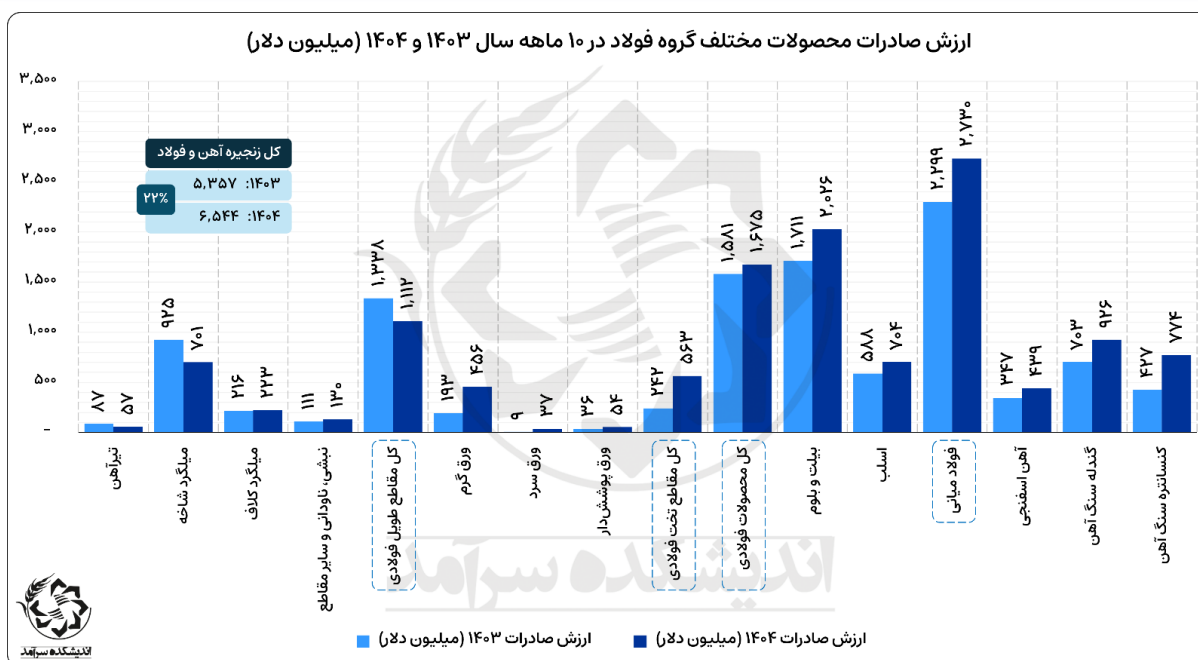
صنعت فولاد جهان نیز وارد مرحله‌ای شده است که در آن فناوری‌های نوین، بهره‌وری بالاتر، هوشمندسازی خطوط تولید، کاهش مصرف انرژی، تولید فولادهای پیشرفته و توسعه محصولات تخصصی، نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به وفور منابع طبیعی دارند.

به همین دلیل تداوم حضور موفق ایران در بازارهای جهانی مستلزم آن است که مزیت رقابتی صنعت از اتکا به منابع اولیه به سمت خلق ارزش افزوده، توسعه فناوری، افزایش بهره‌وری و نوآوری حرکت کند. هر اندازه سهم محصولات دانش‌بنیان، فولادهای آلیاژی و محصولات با فناوری بالا در سبد تولید کشور افزایش یابد توان رقابتی صنعت نیز در بازارهای بین‌المللی تقویت خواهد شد.

۳) بازتعریف زنجیره ارزش فولاد

توسعه زنجیره فولاد یکی از مهم‌ترین دستاوردهای صنعت فولاد ایران طی دو دهه اخیر محسوب می‌شود. ایجاد ظرفیت در بخش‌های مختلف از استخراج سنگ آهن تا تولید محصولات نهایی، موجب شد وابستگی کشور به واردات بسیاری از مواد اولیه کاهش یابد و بخش عمده‌ای از نیاز صنایع داخلی از طریق تولید داخلی تأمین شود. با وجود این موفقیت شرایط امروز ایجاب می‌کند که نگاه سیاست‌گذاران از تکمیل زنجیره به ارتقای کیفیت زنجیره تغییر کند. در واقع صرف وجود همه حلقه‌های زنجیره تولید به معنای ایجاد بیشترین ارزش اقتصادی نیست. آنچه اهمیت دارد میزان ارزش افزوده‌ای است که هر حلقه ایجاد می‌کند. همچنین میزان مصرف انرژی و منابع در آن و جایگاه آن در بازارهای داخلی و بین‌المللی پر اهمیت است.

در حال حاضر سهم نسبتاً بالای صادرات محصولات نیمه‌نهایی در مقایسه با فولادهای ویژه و محصولات نهایی نشان می‌دهد که هنوز ظرفیت قابل توجهی برای ارتقای ارزش افزوده وجود دارد. هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تولید فولادهای آلیاژی، ورق‌های تخصصی، فولادهای مورد نیاز صنایع خودرو، نفت، گاز، انرژی و تجهیزات صنعتی می‌تواند ضمن افزایش درآمد ارزی، وابستگی صنعت به صادرات مواد نیمه‌خام را کاهش دهد. از این منظر، آینده صنعت فولاد بیش از آنکه به افزایش حجم تولید وابسته باشد، به اصلاح ترکیب محصولات و توسعه تولیدات دانش‌بنیان وابسته خواهد بود. چنین رویکردی علاوه بر افزایش سودآوری بنگاه‌ها، جایگاه صنعت فولاد ایران را در زنجیره ارزش جهانی نیز ارتقا خواهد داد.



نمودار ۴- ارزش صادرات محصولات مختلف گروه فولاد در ده ماهه سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (میلیون دلار)^۴

۴) ضرورت تحول در سیاست‌گذاری صنعت فولاد

شرایط جدید اقتصاد ایران و تحولات بازار جهانی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری صنعت فولاد نیز متناسب با واقعیت‌های جدید بازنگری شود. در گذشته موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای عمدتاً با شاخص‌هایی مانند ظرفیت نصب‌شده، حجم تولید یا میزان صادرات سنجیده می‌شد اما این شاخص‌ها دیگر به تنهایی نمی‌توانند وضعیت واقعی صنعت را نشان دهند. در شرایط کنونی شاخص‌هایی همچون بهره‌وری سرمایه، شدت مصرف انرژی، میزان استفاده واقعی از ظرفیت تولید، توسعه فناوری، سهم محصولات با ارزش افزوده بالا، میزان نوآوری، کاهش انتشار آلاینده‌ها، تاب‌آوری زنجیره تأمین و قدرت رقابت در بازارهای جهانی باید به معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد تبدیل شوند. چنین تغییری باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بر پایه کیفیت توسعه انجام گیرد نه صرفاً افزایش ارقام تولید.

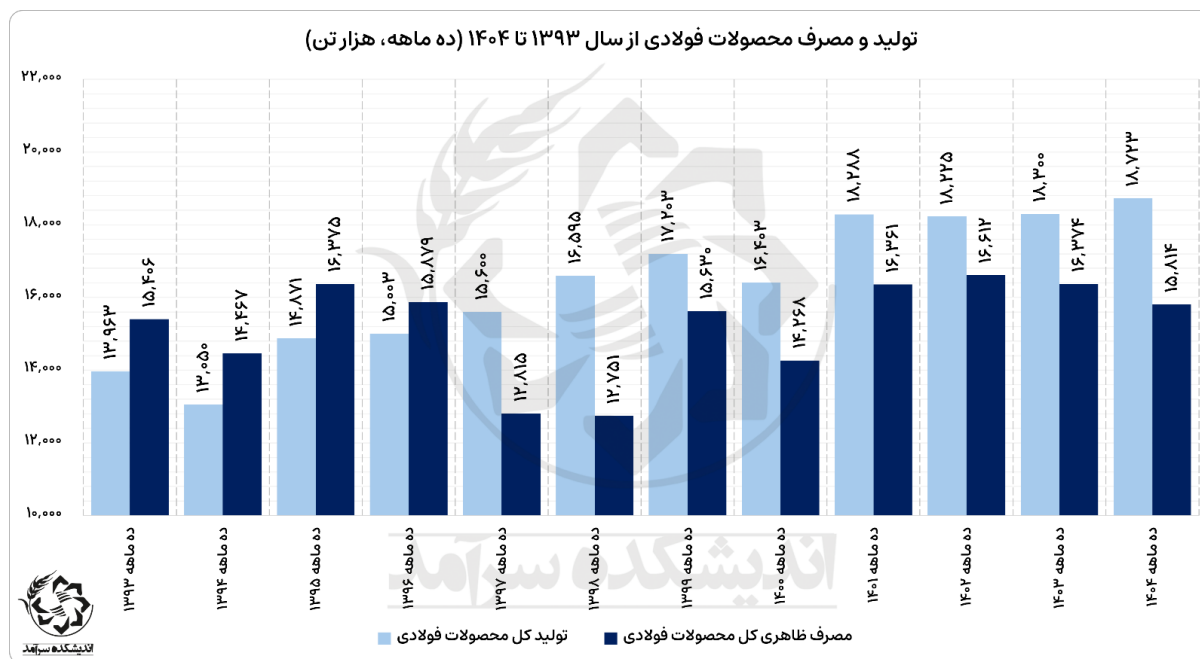
از سوی دیگر سیاست‌های مرتبط با انرژی، صادرات، نرخ ارز، سرمایه‌گذاری، محیط زیست و توسعه زیرساخت‌ها باید هماهنگ‌تر از گذشته تدوین شوند زیرا هرگونه ناهماهنگی میان این حوزه‌ها می‌تواند برنامه‌ریزی بلندمدت شرکت‌های فولادی را با مشکل مواجه کند و از انگیزه سرمایه‌گذاری بکاهد. در واقع صنعت فولاد امروز بیش از هر زمان دیگری به حکمرانی هوشمند، سیاست‌گذاری پایدار و تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی نیاز



دارد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که توسعه ظرفیت اگرچه شرط لازم برای شکل‌گیری یک صنعت بزرگ فولادی بود، اما برای حفظ و تقویت این جایگاه کافی نیست. آینده این صنعت در گرو افزایش بهره‌وری، توسعه فناوری، اصلاح ساختار زنجیره ارزش، مدیریت پایدار منابع و ارتقای توان رقابت در بازارهای جهانی خواهد بود.

بهره‌گیری از ظرفیت تقاضای داخلی فرصتی برای رشد پایدار صنعت فولاد

در کنار چالش‌های متعددی که صنعت فولاد ایران با آن روبه‌رو است، وجود ظرفیت‌های قابل توجه در بازار داخلی را می‌توان یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی این صنعت دانست. هرچند طی سال‌های اخیر کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، رکود نسبی فعالیت‌های عمرانی و افت سرعت اجرای پروژه‌های زیرساختی موجب شده است مصرف ظاهری فولاد با رشد محدودی همراه باشد اما این وضعیت به معنای اشباع بازار داخلی نیست. برعکس بررسی نیازهای توسعه‌ای کشور نشان می‌دهد که بخش بزرگی از تقاضای بالقوه هنوز بالفعل نشده و در صورت بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند موتور محرک صنعت فولاد باشد.



نمودار ۵- تولید و مصرف محصولات فولادی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴ (هزار تن)^۵

بازار مسکن یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که ظرفیت بالایی برای افزایش مصرف فولاد دارد. نیاز انباشته کشور به احداث واحدهای مسکونی جدید، بازسازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌های فرسوده و توسعه شهرها تقاضای



گسترده‌ای برای انواع محصولات فولادی ایجاد خواهد کرد. علاوه بر آن اجرای پروژه‌های عمرانی در حوزه راه‌سازی، حمل‌ونقل ریلی، بنادر، فرودگاه‌ها، سدسازی، شبکه‌های انتقال آب و توسعه زیرساخت‌های انرژی نیز از جمله بخش‌هایی هستند که مصرف فولاد در آنها نقش اساسی دارد.

از سوی دیگر توسعه صنایع پایین‌دستی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش مصرف داخلی فولاد ایفا کند. صنایعی مانند خودروسازی، تولید لوازم خانگی، ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع دریایی و ساخت تجهیزات نیروگاهی، همگی از مصرف‌کنندگان اصلی محصولات فولادی محسوب می‌شوند. در صورت رفع موانع سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و بهبود فضای کسب‌وکار، رشد این صنایع می‌تواند زمینه افزایش تقاضا برای فولادهای باکیفیت و محصولات با ارزش افزوده بالا را فراهم کند.

صنعت خودروسازی نمونه روشنی از این ظرفیت نهفته است. فاصله میان میزان تولید فعلی خودرو و نیاز واقعی بازار نشان می‌دهد که در صورت اصلاح ساختار این صنعت، افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری، تولید خودرو می‌تواند رشد قابل توجهی را تجربه کند. تحقق چنین روندی به طور مستقیم موجب افزایش مصرف انواع ورق‌های فولادی، فولادهای آلیاژی و سایر محصولات تخصصی خواهد شد و بازار مطمئن‌تری برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد می‌کند.

بنابراین آینده صنعت فولاد ایران نباید تنها بر پایه توسعه صادرات تعریف شود. هرچند حضور در بازارهای جهانی همچنان اهمیت زیادی دارد، اما فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی می‌تواند وابستگی صنعت به نوسانات بازارهای بین‌المللی را کاهش دهد و ثبات بیشتری برای تولیدکنندگان فراهم آورد. تحقق این هدف مستلزم رونق سرمایه‌گذاری، اجرای پروژه‌های زیربنایی، حمایت از صنایع پایین‌دستی و ایجاد محیطی باثبات برای فعالیت‌های اقتصادی است. در چنین شرایطی بازار داخلی می‌تواند در کنار صادرات به یکی از مهم‌ترین پیشران‌های رشد صنعت فولاد تبدیل شود.

جمع‌بندی

بررسی روند تحول صنعت فولاد در سطح جهان و همچنین ارزیابی وضعیت این صنعت در ایران نشان می‌دهد که فولاد در آستانه ورود به مرحله‌ای جدید از توسعه قرار دارد؛ مرحله‌ای که ویژگی‌های آن با دهه‌های گذشته تفاوت اساسی دارد. اگر در سال‌های قبل افزایش ظرفیت تولید و توسعه زیرساخت‌ها مهم‌ترین شاخص موفقیت کشورها به شمار می‌رفت، اکنون معیارهای دیگری مانند بهره‌وری، نوآوری، توسعه فناوری، امنیت تأمین انرژی،



مدیریت منابع، کاهش آثار زیست‌محیطی و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، جایگزین شاخص‌های سنتی شده‌اند.

صنعت فولاد ایران نیز طی دو دهه گذشته دستاوردهای قابل توجهی در زمینه افزایش ظرفیت تولید، تکمیل بخش بزرگی از زنجیره ارزش، توسعه صادرات و ارتقای جایگاه بین‌المللی کسب کرده است. این موفقیت‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای گذشته توانسته‌اند زیرساخت لازم برای شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشور را فراهم کنند. با این حال ادامه این مسیر با همان الگوی گذشته دیگر امکان‌پذیر نیست. ناترازی در تأمین انرژی، محدودیت منابع آب، افزایش هزینه‌های استخراج مواد معدنی، ضعف برخی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، کاهش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های ایجادشده و تغییر ساختار تقاضای جهانی، همگی نشان می‌دهند که توسعه آینده صنعت فولاد نیازمند رویکردی متفاوت است. در کنار این عوامل، رقابت جهانی نیز به سمت استفاده گسترده‌تر از فناوری‌های نوین، تولید فولادهای پیشرفته، کاهش مصرف انرژی و حرکت به سوی تولید سبز در حال تغییر است. موضوعی که ضرورت بازنگری در سیاست‌های توسعه‌ای کشور را دوجندان می‌کند.

با وجود این چالش‌ها صنعت فولاد ایران همچنان از ظرفیت‌های ارزشمندی برخوردار است. ذخایر معدنی قابل توجه، تجربه چند دهه فعالیت صنعتی، وجود شرکت‌های بزرگ و توانمند، نیروی انسانی متخصص، موقعیت جغرافیایی مناسب و بازار بالقوه داخلی، از مهم‌ترین مزیت‌هایی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز تداوم رشد این صنعت باشند. استفاده صحیح از این ظرفیت‌ها مستلزم آن است که سیاست‌گذاری‌ها با نگاه بلندمدت و بر اساس واقعیات اقتصادی انجام شود. در این چارچوب تغییر رویکرد از «توسعه ظرفیت» به «توسعه رقابت‌پذیری» مهم‌ترین ضرورتی است که پیش روی صنعت فولاد ایران قرار دارد. در آینده موفقیت این صنعت بیش از آنکه با میزان افزایش ظرفیت یا حجم تولید سنجیده شود، با شاخص‌هایی مانند بهره‌وری سرمایه، بهره‌وری انرژی، میزان نوآوری، سهم محصولات پیشرفته، تاب‌آوری زنجیره تأمین، تنوع بازارهای صادراتی و توان رقابت در بازارهای جهانی ارزیابی خواهد شد.

برای دستیابی به این اهداف لازم است توسعه ظرفیت‌های جدید بر پایه مطالعات دقیق اقتصادی و با در نظر گرفتن دسترسی پایدار به انرژی، آب، مواد اولیه و زیرساخت‌های حمل‌ونقل انجام شود. همچنین هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تولید فولادهای آلیاژی، محصولات نهایی با فناوری بالا، هوشمندسازی خطوط تولید، نوسازی تجهیزات، ارتقای بهره‌وری انرژی و توسعه اکتشافات معدنی، می‌تواند زمینه افزایش ارزش افزوده و تقویت توان رقابتی صنعت را فراهم آورد. آینده صنعت فولاد ایران بیش از هر عامل دیگری به کیفیت حکمرانی اقتصادی، ثبات



سیاست‌ها و کارآمدی نظام تصمیم‌گیری وابسته خواهد بود. زیرساخت‌های ایجادشده طی دو دهه گذشته فرصت ارزشمندی برای کشور فراهم کرده‌اند، اما حفظ و ارتقای این جایگاه نیازمند عبور از توسعه کمی و حرکت به سوی الگویی است که در آن بهره‌وری، فناوری، نوآوری، ارزش‌آفرینی و رقابت‌پذیری محور اصلی برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری باشند. تنها در چنین شرایطی صنعت فولاد خواهد توانست ضمن حفظ جایگاه خود در بازارهای جهانی، نقش مؤثرتری در رشد اقتصادی، توسعه صنعتی و افزایش رفاه کشور ایفا کند.